

مجله علمی پژوهشی «پژوهش‌های برنامه‌درسی»
انجمن مطالعات برنامه‌درسی ایران
دوره هشتم، شماره دوم، پیاپی ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۷
صفحه‌های ۲۴۵-۲۷۴

تبیین مفهوم برنامه‌درسی سایه در نظام آموزشی ایران*

مرتضی بازدار قمچی قیه**، دکتر کورش فتحی واجارگاه***

دکتر محبوبه عارفی****، دکتر مقصود فراستخواه*****

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تبیین مفهوم برنامه‌درسی سایه در نظام آموزشی ایران است. رویکرد حاکم بر این پژوهش، کیفی است. با توجه به هدف کلی پژوهش، در ابتدا معنا و مفهوم سایه در حوزه‌های مختلف علم بشری مثل اقتصاد، سیاست، موسیقی و ... بررسی شد و با استفاده از روش فراترکیب، متون مربوط به حوزه‌های مختلف بررسی و ویژگی‌های مشترکی برای آن تبیین گردید. در فاز بعدی پژوهش، دیدگاه‌ها و نظریه‌های جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و فلسفی مرتبط با حوزه تعلیم و تربیت بررسی شده و جهت افزایش غنای مفهومی پژوهش، و تبیین بهتر چارچوب مفهومی برای برنامه‌درسی سایه، با ۱۰ نفر از افراد خبره در این حوزه‌ها، مصاحبه و گفتگوهایی انجام گرفت. متن مصاحبه‌ها، به روش تحلیل مضمونی تحلیل شد که سه مضمون اصلی حاصل عبارتند از: چرایی، چگونگی و چیستی مفهوم برنامه‌درسی سایه یا زیرزمینی. براساس نتایج این پژوهش، ویژگی اصلی «سایه» تقابل با مرجع خویش است. براین اساس، برنامه‌درسی سایه را می‌توان مجموعه فعالیت‌ها و اقداماتی تعریف کرد که از سوی دانش‌آموزان، معلمان و مدیران و ... در مدارس انجام می‌گیرند که در تضاد با برنامه‌درسی رسمی و قانونی است. به عبارتی برنامه‌درسی سایه، آموخته‌ها و یادگیری‌هایی است که عملاً وجود دارد، هرچند از سوی برنامه‌درسی رسمی مشروع تلقی نمی‌شود، دانش‌آموزان و معلمان در دفاع از آن ابایی ندارند.

واژه‌های کلیدی: برنامه‌درسی سایه، دیدگاه انتقادی، فراترکیب

* این مقاله برگرفته از رساله‌دکتری مرتضی بازدار قمچی قیه با عنوان «تبیین مفهوم برنامه‌درسی سایه و شناسایی آن در نظام آموزشی ایران» است.

** دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه شهید بهشتی تهران mortezaani@yahoo.com

*** استاد دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی تهران (نویسنده مسئول) kouroshfathi@hotmail.com

**** دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی تهران m-arefi@sbu.ac.ir

***** دانشیار موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی تهران m_farasatkah@irphe.ir

تاریخ پذیرش: ۹۷/۷/۱۱

تاریخ دریافت مقاله نهایی: ۹۷/۱۰/۲۴

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۱۲/۱

مقدمه

تقریباً عموم افراد در نگاه اول، برداشت یکسانی از برنامه‌درسی دارند و بیش‌تر آنان، این مفهوم را با محتوای طراحی شده در محیط‌های آموزشی از جمله مدارس، معادل می‌دانند. با اینکه برنامه‌درسی دارای تعاریف متعددی است، اما به سختی می‌توان تعریفی برای آن یافت که در مورد آن بین صاحب‌نظران اتفاق نظر وجود دارد. تا آنجا که بررسی تاریخچه برنامه‌درسی نشان می‌دهد که مسئله تعریف از همان آغاز شکل‌گیری این رشته، با آن همراه بوده است. اهمیت و ضرورت روشن‌سازی مفاهیم اساسی رشته برنامه‌درسی از آن روست که امروزه برخی از متخصصین این رشته یکی از مهم‌ترین مسائل این رشته را مسائل تعریفی می‌دانند، و برخی دیگر نیز جدیت و حاد بودن مسائل مرتبط با اختلاف نظر در مفاهیم بنیادی را عامل مهمی در به سقوط کشاندن این قلمرو در قرن آینده تلقی می‌کنند (فتیحی و اجارگاه، ۱۳۹۳). تعاریف برنامه‌درسی شاید نتواند تمام مسائل مربوط به حوزه برنامه‌درسی را حل کند اما می‌تواند چهارچوبی برای آن‌ها ارائه کند (استنهاوس^۱، ۱۹۷۵، ص ۱).

در تعریفی که از برنامه‌درسی ارائه شده، برنامه‌درسی عبارت از یک موضوع یا مجموعه‌ای از مواد یا مجموعه‌ای از اهداف عملکردی است. یا اینکه برنامه‌درسی به عنوان مجموعه مرتبطی از برنامه‌ها و تجربیاتی که یک دانش‌آموز تحت راهنمایی مدرسه تکمیل می‌کند، تعریف شده است. (منا^۲، ۲۰۰۹). وایلز و باندی^۳ (۲۰۰۷، ص ۵) برنامه‌درسی را به عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌ها و تجارب طراحی شده تعریف کردند که برای یک مدرسه و یا گروهی از دانش‌آموزان در نظر می‌گیرند. همچنین برنامه‌درسی عبارت است از مجموعه‌ای از رخدادهای طراحی شده که پیامدهای آموزشی و تربیتی برای فراگیران به همراه دارد (آیزنر^۳، ۲۰۰۲، ص ۳۱).

امروزه با گسترش تحقیقات در حوزه برنامه‌درسی و با ظهور نو مفهوم‌گرایی به عنوان یکی از رویکردهای تاثیرگذار این حوزه، بسیاری از مفاهیم این حوزه باز تعریف شده‌اند. برنامه‌درسی نیز به پدیده‌ای پیچیده تبدیل شده طوری که متخصصان و صاحب‌نظران حوزه مطالعات برنامه‌درسی، تقسیم‌بندی‌های متعددی از برنامه‌درسی ارائه کرده‌اند. بدون تردید یکی از معروف‌ترین دستاوردهای مفهومی برنامه‌درسی و طبقه‌بندی‌های صورت گرفته در برنامه‌درسی، طبقه‌بندی آیزنر است. آیزنر

¹ Stenhouse

² Meena

³ Wiles and Bondi

معتقد است که مدارس همزمان سه نوع برنامه درسی را آموزش می‌دهند. این سه نوع برنامه درسی عبارتند از: برنامه درسی صریح^۱، برنامه درسی پنهان^۲ و برنامه درسی پوچ^۳ (فلیندرز و همکاران^۴، ۲۰۱۲).

یکی دیگر از عبارات توصیفی که قصد دارد جنبه دیگری از برنامه درسی را مشخص کند، برنامه درسی سایه^۵ یا زیرزمینی است^۶ که اخیراً وارد ادبیات این حوزه شده است. مفهومی نوپا که فتحی و اجارگاه (۱۳۹۴) یکی از نشست‌های علمی دانشگاه شهید بهشتی تهران برای اولین بار آنرا در حوزه قومیت، تعریف و مغفول ماندن آن را در ادبیات برنامه درسی ایران مطرح نمود. به اعتقاد فتحی و اجارگاه در (۱۳۹۶) که دارای خرده فرهنگ‌ها و اقوام مختلف است، هنگامی که اشاعه فرهنگ ملی گستره سرزمینی‌اش زیاد باشد و به مرزهای جغرافیای فرهنگی مناطق احترام نگذارد و یا فرصت ظهور و عرض اندام ندهد عملاً اشغال فرهنگی^۷ رخ می‌دهد. در چنین شرایطی، وقتی در سطح جامعه انسداد فرهنگی به وجود می‌آید و جدایی طلبی ترویج می‌شود، از لحاظ تربیتی شرایطی در نظام تربیتی رخ می‌دهد که از آن می‌توان تحت عنوان برنامه درسی یا زیرزمینی نام برد. بنابراین، یکی از اساسی‌ترین نقدهایی که برای نظام تعلیم و تربیت در جوامع چند فرهنگی مطرح می‌کنند این است که ممکن است نظام آموزشی و مدارس به ابزاری برای تسلط گروهی با فرهنگ خاص باشد و به واسطه آن، هویت‌ها، ارزش‌ها، زبان و آداب و رسوم گروه‌های اقلیت نادیده گرفته شوند. لذا جوامع چندفرهنگی، اشغال فرهنگی، سرکوب خرده فرهنگ‌ها را می‌توان به عنوان یکی از زمینه‌های شکل‌گیری برنامه درسی سایه قلمداد کرد فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۶ همان‌طور که اقتصاد سایه در سراسر جهان به عنوان نقطه مقابل اقتصاد رسمی بوجود آمده و به اندازه اقتصاد رسمی گسترده شده است، به طوری که آن را یک نوع ساختار تصنعی می‌دانند که در نتیجه تلاش گروه‌های خاص در جهت حفظ منافع خود شکل گرفته است. همچنین موسیقی زیرزمینی در چشم‌انداز جهانی، به آن نوع موسیقی اطلاق می‌شود که برخلاف جریان رایج در موسیقی سنتی یا رسمی حرکت می‌کند. در حوزه‌های دیگر از جمله قانون، ارزش‌ها، سیاست و... نیز به این گستردگی مطرح شده است. برنامه درسی سایه یا زیرزمینی نیز به‌سان موسیقی زیرزمینی، هنر زیرزمینی، دولت سایه و...

¹ Explicit Curriculum

² Hidden Curriculum

³ Null Curriculum

⁴ Flinders et al

⁵ Shadow Curriculum

⁶ Underground Curriculum

⁷ Cultural Occupation

باورهایی در مورد قومیت و نژاد است که وجود دارد و همه از آن اطلاع دارند، و در صورت مورد پرسش قرار گرفتن احتمالاً از بیان و دفاع از آن ابایی ندارند، اما از سوی نظام رسمی مشروع شناخته نمی‌شود؛ اگرچه دلستگی نسبت به آن زیاد و مورد اقبال عمومی هم باشد. به عبارتی برنامه‌درسی زیرزمینی آن بخش از یادگیری‌هایی است که عملاً وجود دارد، اما مثل برنامه‌درسی رسمی رسمیت ندارد و حتی از سوی برنامه‌درسی رسمی مشروع تلقی نمی‌شود (فتیحی و اجارگاه، ۱۳۹۶).

به نظر می‌رسد وجود برنامه‌های درسی متفاوت از برنامه‌درسی رسمی از جمله برنامه‌درسی سایه می‌تواند چالش‌هایی را برای دست اندرکاران تعلیم و تربیت و نیز صاحب‌نظران برنامه‌درسی به‌وجود آورد. با در نظر گرفتن ماهیت و معنای ذاتی و روان‌شناختی سایه، برای هر پدیده‌ای می‌توان آنرا معنا کرد که برنامه‌درسی نیز از آن مستثنا نیست. لذا با مطرح شدن این مفهوم در حوزه برنامه‌درسی، ارائه تعریفی کامل و جامع برای آن با توجه به موقعیت برنامه‌درسی رسمی در نظام‌های آموزشی، از ضروریات است. بنابراین نگارنده در تلاش است با در نظر گرفتن معانی استعاره‌سایه در حوزه‌های مختلف علمی، نظریه‌ها و دیدگاه‌های مختلف در حوزه‌های فلسفه، جامعه‌شناسی، سیاست و ... چارچوبی مفهومی برای تبیین آن تدوین کند. پژوهش حاضر در همین راستا انجام گرفته است و درصدد پاسخ‌گویی به سؤالات پژوهشی زیر است:

۱. معنا و مفهوم سایه در رشته‌های مختلف علمی از قبیل اقتصاد، موسیقی، ادبیات و ... چیست؟
۲. ویژگی‌های مشترک مفهوم سایه در حوزه‌های مختلف علمی، چیستند؟
۳. استعاره سایه در حوزه برنامه‌درسی چه معنایی دارد؟ (تعریف برنامه‌درسی سایه^۱)

مبانی نظری

نظریه انتقادی

یکی از نظریه‌های تاثیرگذار در عصر حاضر در زمینه‌های مختلف از جمله زمینه اجتماعی، فرهنگی و ... نظریه انتقادی است. نظریه انتقادی براساس دیدگاه نظریه‌پردازان و جامعه‌شناسان عضو مکتب فرانکفورت شکل گرفته است. این مکتب فکری با تجدیدنظر در دیدگاه‌های مارکسیسم سنتی، جهت‌گیری خود را از سلطه اقتصادی، به سمت بررسی و نقد سلطه فرهنگی تغییر دادند. اندیشمندان این مکتب به‌طور مستقیم و آشکارا دیدگاهی در مورد تعلیم و تربیت نداشته‌اند، اما بیش‌تر تمرکز آن‌ها بر مقوله فرهنگی جوامع و مرتبط با تعلیم و تربیت بوده است.

^۱ همانند حوزه‌های مختلف علم بشری، در این پژوهش نیز دو مفهوم سایه و زیرزمینی مترادف هم در نظر گرفته شده است.

آنتونیو گرامشی مارکسیست ایتالیایی که به مسئله سلطه یا تفوق (هژمونی) پرداخته است. وی تفوق را به عنوان رهبری فرهنگی که طبقه حاکم آنرا اعمال می‌کند، تعریف کرده است. گرامشی تفوق را متفاوت از اعمال زوری می‌داند که قوای مجریه و مقننه اعمال می‌کنند، یا با دخالت پلیس اجرا می‌شود. مارکسیست‌های اقتصادی به سمت تاکید بر اقتصاد و جنبه‌های تحمیلی سلطه دولتی گرایش دارند، اما گرامشی برخلاف آن‌ها بر تفوق و رهبری فرهنگی تاکید می‌ورزد (ریترز، ۱۳۸۴، ص ۱۹۸). ازدیدگاه وی هژمونی طبقه سیاسی یعنی اینکه گروه حاکم براساس اعمال امتیازاتی خاص، طبقات مختلف جامعه را به پذیرش ارزش‌های سیاسی، و فرهنگی و اجتماعی خود ترغیب کنند. از این منظر مدارس و نهادهای آموزشی و نیز برنامه‌های درسی نوعی ابزار هژمونیک هستند که در خدمت نیل به اهداف طبقه حاکم می‌باشند. در واقع طبقه حاکم از طریق اعمال نفوذ در برنامه‌های درسی رسمی سعی در مدیریت تمام عیار آن برای رسیدن به مقاصد خود دارد.

از دیگر اندیشمندان مارکسیست می‌توان به لویی آلتوسر اشاره کرد که در تعریف ایدئولوژی تا حدودی از نظریه‌های ژاک لاکان بهره گرفته است، و در تزاوول خود، ایدئولوژی را به معنای بازنمایی یک رابطه خیالی با شرایط واقعی وجود تعریف کرد. برای باز تولید نیروی کار، فقط پرداخت دستمزد کافی نیست، بلکه برای این کار باید مهارت‌ها و تخصص‌های لازم متناسب با تقسیم کار اجتماعی به نیروی کار فراهم شود. آلتوسر این سؤال را مطرح می‌کند که در مدرسه چه چیزهایی را یاد می‌دهند. به تعبیر وی هرچند مهارت‌ها و فنون مربوط به خواندن و نوشتن و نیز دیگر مهارت‌ها آموزش داده می‌شوند، اما در کنار این‌ها، افراد در مدارس قواعد رفتار صحیح، اصول اخلاقی، اصول مربوط به وجدان مدنی و شغلی را نیز یاد می‌گیرند. به تعبیر واضح‌تر اصول احترام به تقسیم اجتماعی - فنی کار و دست آخر اصول نظامی که طبقه سلطه‌گر برقرار کرده است. بازتولید نیروی کار نه تنها لازمه بازتولید تخصص آن است، بلکه به موازات آن محتاج به بازتولید فرمانبری از اصول نظم غالب یا به عبارتی دیگر، بازتولید فرمانبری نیروی کار از ایدئولوژی غالب در مورد کارگران و نیز بازتولید به‌کارگیری این ایدئولوژی در مورد عاملان و کارگزاران بهره‌کشی و سرکوب نیز هست، آن هم برای اینکه این عاملان به‌توانند از لحاظ کلامی و گفتاری نیز تسلط بر طبقه سلطه‌گر را تحقق ببخشند (آلتوسر، ۱۳۸۶، ص ۲۷). به زعم آلتوسر، دستگاه دولتی شامل دو مجموعه نهادهای متمایز اما با فصول مشترک است. از یک سو دولت شامل تمام آن چیزی است که نظریه مارکسیستی به منزله دستگاه دولت می‌شناسد و آن نهادهای سرکوب‌گری که طبقه حاکم از طریق آن‌ها قوانین خود را اعمال می‌کند، و آنرا تحت عنوان دستگاه سرکوب‌گر دولت (شامل پلیس، ارتش، زندان‌ها و دادگاه‌ها

و... معرفی می‌کند (فرتر، ۱۳۹۲، ص ۱۱۵). از سوی دیگر دولت شامل دستگاه ایدئولوژیک دولت (شامل تشکیلات دینی مذهبی، نظام آموزشی شامل مدارس و دانشگاه‌ها، امور فرهنگی، ارتباطی مانند رادیو و تلویزیون و ...) است که در تلاش هستند تا گروه‌ها و افراد را در مسیر سیاست‌ها و حفظ نظم مورد نظر دولت متقاعد کنند (فرتر، ۱۳۹۲، ص ۱۱۶). به اعتقاد وی نهادهای آموزشی از ابزارهای اصلی دستگاه ایدئولوژیک دولت است که این نهادها از طریق آموزش در تلاشند تا دانش‌آموزان را متقاعد سازند که نظام حاکم نظامی شایسته سالار است که در آن هرکس به شایستگی‌های خویش دست می‌یابد. به اعتقاد وی این همان آگاهی کاذب هست که مارکس از آن سخن گفته بود. آلتوسر دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت را تجسم واقعی ایدئولوژی می‌داند. وی از این دیدگاه لکان به عنوان یکی از بنیان‌های نظریه خود استفاده کرد، که ایدئولوژی‌ها چگونه ما را به عنوان سوژه‌های انسانی می‌سازند و به ما احساس کاذب انسجام و ضرورت عاملیت ما در جامعه را القا می‌کنند (فرتر، ۱۳۹۲).

از دیدگاه تعلیم و تربیت انتقادی نیز، تمام فعالیت‌ها و فرایندهای نظام آموزشی، امری سیاسی است و تلقی آن‌ها به عنوان عاملی بی‌طرف و خنثی تلقی نادرستی است. تعلیم و تربیت انتقادی به عبارتی پداگوژی رادیکال یا انتقادی، رویکردی است برای درک و فهم روابط مدرسه و جامعه از چشم‌انداز روابط اجتماعی موجود در تولید در قالب نظام سرمایه‌داری. این پداگوژی همچنین رویکردی عملی نسبت به تدریس، یادگیری و پژوهش است که از طریق گفتگوی انتقادی و تجزیه و تحلیل دیالکتیکی تجربه روزمره، تدریس را مورد تاکید قرار می‌دهد. به‌طور خلاصه تعلیم و تربیت انتقادی به تدریس با عنایت به عمل انتقادی توجه دارد. رویکرد آن دموکراتیک و هدفش ایجاد و برقراری برابری و عدالت اقتصادی و اجتماعی برای تمام گروه‌های قومی یا نژادی است، از اصول برابری نژادی، طبقه‌ای و جنسیتی حمایت کرده و در راستای تحقق چنین برابری تلاش می‌کند (فتنجی و اجارگاه، ۱۳۸۶، ص ۴۰).

گروه دیگری از نظریه‌پردازان انتقادی مانند هنری ژیرو و مایکل اپل معتقدند که هرچند نظام آموزشی و مدارس و نهادهای آموزشی ابزارهایی برای بازتولید هستند که در خدمت نظام سلطه هستند، اما آن‌ها با مطرح کردن نظریه «مقاومت»، بیان می‌کنند که مدارس و نهادهای آموزشی همواره تابع ساختار سیاسی نیستند و الگوی فرهنگی نظام سلطه را تکرار یا بازتولید نمی‌کنند. به اعتقاد آن‌ها دانش‌آموزان و معلمان در برابر برخی از جنبه‌های برنامه درسی رسمی مقاومت نشان می‌دهند، و با آن به مخالفت بر می‌خیزند. از دیدگاه این گروه از نظریه‌پردازان، در شرایطی که برنامه‌درسی رسمی،

خواست‌های یک یا چند گروه اجتماعی را مورد توجه قرار نمی‌دهد، برنامه‌های دیگری غیر از برنامه درسی رسمی اما به موازات آن شکل می‌گیرند که با عناوین مختلفی از آن‌ها یاد می‌شوند. به اعتقاد اپل این نوع برنامه‌ها می‌تواند ناشی از سرکوب اقلیت‌ها، قومیت‌ها، گروه‌های نژادی طبقات اجتماعی و ... باشند و به عنوان شیوه‌ها و اشکالی از مقاومت آموزشی را مورد بررسی قرار دهند که بیش‌تر با انواع برنامه‌های درسی پنهان مطابقت دارند.

نظریه فلسفی سیاسی

با این حال، دیدگاه‌های دیگری نیز هستند که هرچند در گروه نظریه انتقادی مکتب فرانکفورت قرار نگرفته‌اند اما به نوعی نگاهی سیاسی - انتقادی به مسائل دارند و می‌توان برخی از فعالیت‌ها و اقدامات فرهنگی - اجتماعی و نیز حوزه نظام‌های آموزشی را با آن‌ها تبیین کرد. این دیدگاه‌ها بیش‌تر در حوزه فلسفی - روانکاوی قرار دارند و دیدگاه‌های ژاک لکان فرانسوی یکی از آن‌هاست. ژاک لکان اندیشمند و روانکاوی فرانسوی که تلاش کرد تا روانکاوی را از ژست روان درمان‌گرانه خارج کند و ارتباط آنرا با فلسفه و هنر و سایر حوزه‌های دانش فعال سازد. به طوری که امروزه تفکر لکانی در رشته‌های مختلفی مانند مطالعات ادبی، سینمایی، زنان و نظریه‌های اجتماعی نفوذ کرده است و در حوزه‌های گوناگون مانند آموزش و پرورش، مطالعات حقوقی و ... به کار می‌رود (هومر، ۱۳۸۸، ص ۱۱). یکی از نظریه‌های ژاک لکان، دیدگاهی است که به سوپراگو^۱ و اگو ایده‌آل^۲ معروف شده است. آرمان خود همان عاملیتی است که می‌کوشم نگاه خیره‌اش را با تصویر اگوی خودم، تحت‌تاثیر قرار دهم، همان دیگری بزرگ که مرا تحت نظر دارد، و مرا وا می‌دارد که از بهترین چیز خود، همان آرمانی که می‌کوشم بدان جامه عمل بپوشانم، دست بکشم و سوپراگو همان عاملیت در شکل کینه‌توز آن و مجازات‌کننده‌اش است (ژیژک، ۱۳۹۰، ص ۱۱۱). به عبارتی اگو ایده‌آل خود، قوانین رسمی را مطرح می‌کند و بر اجرای آن تاکید می‌کند. قوانین رسمی که در سطح قرار دارند و آشکار و به صورت نوشتاری هستند. اگو ایده‌آل مبنی بر انجام برخی کارها دستور می‌دهد. و از برخی کارها نهی می‌کند. اما از طرفی اگو ایده‌آل یک مکمل و قیچی دارد به نام سوپراگو. هر دو یکی هستند، یک طرف آن اگو ایده‌آل است که دستور می‌دهد و نهی می‌کند، طرف دیگر آن اجازه این کارها را می‌دهد (ژیژک، ۱۹۹۴). بخش نانوشته قانون، هرچند غیرقانونی است، اما در عین حال

^۱ Superego

^۲ Ego-ideal

موجب همبستگی گروه یا جماعت می‌شود. هرکسی در جمع حاضرین وانمود می‌کند که از آن آگاهی ندارد و وجود آنرا انکار می‌کند. این بخش از قوانین، ضمن آنکه قوانین نوشته شده و آشکار را نقض می‌کند، اما مظهر روح جماعت و گروه در ناب‌ترین شکل ممکن است، و قوی‌ترین فشار را برای وضع کردن هویت گروهی وارد می‌کند. این بخش وقیح قانون، برخلاف قانون آشکار، اساسا شفاهی است (ژیژک، ۱۳۹۰، ص ۱۲۱).

روش پژوهش

رویکرد این پژوهش کیفی است. در فاز اول پژوهش، معنا و مفهوم استعاره سایه در حوزه‌های مختلف علم بشری با استفاده از روش فراترکیب بررسی و برای آن ویژگی‌های مشترکی مشخص می‌شود. در مرحله بعد پژوهش، دیدگاه‌ها و نظریه‌های جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی سیاسی و فلسفی و... در حوزه تعلیم و تربیت مورد بررسی قرار می‌گیرند، و جهت افزایش غنای نظری و افزایش اعتبار پژوهش با چند نفر از خبرگان رشته‌های مختلف از جمله علوم سیاسی، فلسفه، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی مصاحبه انجام گرفته تا در نهایت تبیین کاملی از مفهوم برنامه‌درسی سایه در نظام آموزشی ایران ارائه شود.

فرا ترکیب روشی برای ترکیب نتایج مطالعات کیفی است، که در نتیجه آن، مفاهیم استخراج می‌شوند و از طریق مقایسه، تضاد و تشابه آن‌ها بررسی می‌شوند، و نتایج حاصل، به صورت طبقه‌بندی از یافته‌های مفهومی از پدیده و یا موضوع ارائه می‌شود (سندلوفسکی ۲۰۰۷، والش و داون ۲۰۰۵). فرا ترکیب به عنوان روش جمع‌آوری و یا تجزیه یافته‌های مطالعات مختلف، بررسی و کشف ویژگی‌های اصلی آن‌ها و در نهایت ترکیب این نتایج به صورت یک قالب کلی توصیف می‌شود (اشکریب، کروکز و استرن ۱۹۹۷).

در این پژوهش مراحل اجرایی روش فرا ترکیب عبارتند از: تنظیم سؤالات تحقیق، بررسی منابع به صورت نظام‌مند، جستجو و انتخاب پژوهش‌ها و مقالات مناسب و مرتبط، ارزیابی دقیق مطالعات و تحقیقات مربوط به موضوع، تجزیه و تحلیل یافته‌های مقالات و تلفیق یافته‌ها و بالاخره ارائه یافته‌هاست (سندلوفسکی و باروسو، ۲۰۰۷).

(۱) مسئله پژوهش: همانند بیش‌تر روش‌های پژوهشی، اولین کار محقق، در فرا ترکیب تعیین

مسئله پژوهش و طرح سؤال پژوهشی است.

به طور کلی در محیط‌های آموزشی و مدارس، رخدادها، اقدامات و فعالیت‌هایی انجام می‌گیرند که نمی‌توان آن‌ها را در چارچوب برنامه‌درسی رسمی مستقر و نیز سایر دستاوردهای مفهومی برنامه‌درسی از جمله برنامه‌درسی پنهان، پوچ تبیین نمود. این‌گونه فعالیت‌ها و اقدامات در مدارس، برخلاف برنامه‌درسی پنهان، آشکارا انجام می‌گیرند. نظریه‌پردازان انتقادی ایالات متحده آمریکا و بریتانیا استدلال کردند از آنجاکه فرهنگ تولید شدنی است و همواره در زندگی انسان وجود دارد، مدارس را نمی‌توان به سادگی مکانی را در نظر گرفت که در آن افراد به طور سازمان یافته، آموزش می‌بینند و براساس منافع گروه حاکم کنترل می‌شوند. دانش‌آموزان صرفاً افراد منفعلی نیستند، بلکه خلاقانه به روش‌هایی عمل می‌کنند که اغلب با هنجارها و تمایلات مورد انتظار در تناقض هستند (اپل، ۲۰۱۲). بنابراین برای درک کامل آموزش، باید مدارس را به عنوان عرصه‌هایی از تعارض، مبارزه و چالش در نظر گرفت (همان منبع). از طرفی برنامه درسی ساختار یکپارچه‌ای نیست بلکه از پیام‌های متعارض و غیر منسجمی تشکیل شده است (داملا کنتلی^۱، ۲۰۰۹). انعکاس پیام‌های متعارض باعث شده است که صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه برنامه درسی، برای نشان دادن ابعاد مختلف آن، از مفاهیم و اصطلاحات متنوعی مانند برنامه‌درسی پنهان، پوچ و... استفاده کنند. از طرفی فعالیت‌هایی از طرف گروه‌های دانش‌آموزی و معلمان در مدارس انجام می‌گیرند که بسیاری از آن‌ها مغایر با برنامه درسی رسمی و اکثراً در مقابل آن قرار می‌گیرد. لذا دغدغه اصلی پژوهش‌گران، کشف و شناسایی این قبیل از فعالیت‌هایی است که نه در بخشنامه‌های ارسالی به مدارس بلکه در بین دانش‌آموزان، معلمان و حتی دست‌اندرکاران نظام آموزشی فراگیر می‌شود. به همین دلیل، این مقاله به عنوان ورودی اصلی، جهت شناسایی این قبیل فعالیت‌ها و رخدادها در مدارس و نظام آموزشی است تا بتوان از طریق تدوین تعریفی کلی و در عین حال جامع برای برنامه‌درسی سایه، زمینه‌های لازم را برای انجام پژوهش‌های بعدی فراهم نمود.

در این مرحله از پژوهش، سؤالات زیر مورد کنکاش قرار گرفته است:

معنا و مفهوم سایه در رشته‌های مختلف علمی از قبیل اقتصاد، موسیقی، ادبیات و... چیست؟
ویژگی‌های مشترک مفهوم سایه در حوزه‌های مختلف علمی چیستند؟

۲) جستجو و انتخاب پژوهش‌ها و مقالات مناسب و مرتبط

^۱ Damla Kentli

در این پژوهش، محقق از طریق جستجوی پایگاه‌های اطلاعاتی قابل دسترس از قبیل Mgrin, SID, Science Direct, Proques, ... بدون محدودیت زمانی و با استفاده از کلیدواژه‌های «اقتصاد سایه یا زیرزمینی، موسیقی زیرزمینی، دولت سایه و...»، حوزه‌های مختلف علم بشری را که اصطلاح «سایه» یا «زیرزمینی» در آن‌ها به کار رفته‌اند، انتخاب کرده و تا منابع اطلاعاتی مرتبط با مفهوم سایه در این حوزه‌ها از قبیل کتاب‌ها، مقالات، شناسایی و جمع‌آوری شوند.

۳) تجزیه و تحلیل و ارزیابی دقیق مطالعات و تحقیقات مربوط به موضوع و تلفیق یافته‌ها

بعد از جستجو و انتخاب منابع موردنظر، فرایند پژوهش با ارزیابی هر گزارش به صورت مجزا و سپس با ارزیابی مقایسه‌ای بین گزارش‌ها ادامه می‌یابد. ارزیابی تک تک گزارش‌ها، با خواندن چندباره هر گزارش تا آشنایی کامل با محتوا، نقاط قوت و ضعف روش‌شناسی و شناسایی یافته‌های هدف انجام می‌شود. ارزیابی تطبیقی بین گزارش‌ها، به محقق این امکان را می‌دهد که گزارش‌های با نمونه‌های یکسان یا مشابه را شناسایی کند، اطلاعات از دست رفته یا مورد غفلت قرار گرفته را تعیین نماید و بر خلاصه‌سازی و نمایش یافته‌ها متمرکز شود (سندلوفسکی و باروسو، ۲۰۰۷).

در این پژوهش، هریک از اعضای گروه پژوهش (فرا ترکیب)، مقالات و پژوهش‌های مربوط به مفهوم سایه و زیرزمین را در حوزه‌های مختلف به‌طور دقیق بررسی کرده و برای هر یک از منابع، گزارشی مجزا از تعاریف مربوط به این استعاره در حوزه‌های متعدد تهیه شده است. پس از این گزارش‌ها و استخراج معانی استعاره «سایه» و «زیرزمین» در حوزه‌های مختلف علمی از قبیل اقتصاد، ادبیات و...، ضمن مقایسه تعاریف آن در این حوزه‌ها، ویژگی‌های این استعاره و نیز شباهت‌ها و تفاوت‌های این اصطلاح شناسایی شده و در جهت پاسخ‌گویی به سؤال اصلی پژوهش، با یکدیگر تلفیق می‌شوند.

۴) روش تجزیه و تحلیل یافته‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از بررسی منابع مربوط به حوزه‌های مختلف، از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (براون و کلارک^۱، ۲۰۰۶). در این مرحله، پس از کدگذاری و استخراج مفاهیم اولیه، مضمون‌های اصلی شناسایی و به‌صورت جدول ۱-۲ ارائه شده است.

¹ Braun & Clarke

(۵) ارائه یافته‌ها

در این مرحله، محقق نتیجه فرایند فرا ترکیب کیفی را جمع‌بندی و ارائه می‌کند. دسته‌بندی و فراچکیده نویسی یکی از روش‌های متداول در ارائه یافته‌های این روش است که در پژوهش حاضر، فراترکیب‌گر تعاریف مربوط به استعاره سایه یا زیرزمین را در حوزه‌های مختلف علمی در دو گروه «جنبه مثبت» یا «جنبه منفی» معنای آن، دسته‌بندی کرده است. همچنین برای ارائه بهتر نتیجه تحقیق، از ابزارهایی مثل نمودار، جدول و... استفاده شده است.

محقق برای گردآوری اطلاعات، از طریق جستجو در کتاب‌ها و سایت‌های مرتبط، منابع مربوط به هرکدام از رشته‌های علمی را که به این مفهوم پرداخته‌اند، شناسایی و انتخاب کرده است. منابع مکتوب از قبیل کتاب، مقالات و سایت‌های مرتبط، پس از شناسایی، به مدت ۶ ماه به دقت مورد بررسی قرار گرفت. نتایج بررسی و ترکیب یافته‌ها پس از اعمال نظر ۵ نفر از صاحب‌نظران و خبرگان رشته مطالعات برنامه درسی جمع‌بندی شد. برای ارزیابی کیفیت کار، خلاصه‌ای از مقالات و پژوهش‌هایی که به معانی «سایه» و «زیرزمین» پرداخته‌اند و نیز به همراه اصل مقالات و پژوهش و همچنین به همراه مفاهیم استخراج شده از این پژوهش‌ها در اختیار متخصصان و خبرگان رشته قرار گرفت و ضمن اینکه فرایند کار و معانی این مفهوم به‌طور کامل برای آن‌ها تشریح گردید تا نظرات آن‌ها جهت بازبینی و اصلاح فرایند و یافته‌ها اعمال گردند، در نهایت یافته‌های پژوهش به‌صورت جداول ۱-۱، ۱-۲ و در نهایت در قالب یک تعریف کلی برای برنامه درسی سایه ارائه شد.

یافته‌ها

هدف کلی این پژوهش، تبیین برنامه درسی سایه است. با توجه به اینکه مبانی نظری مشخص و مستقیمی برای این تبیین مفهوم برنامه درسی سایه وجود ندارد، در مرحله اول پژوهش، معنا و مفهوم استعاره «سایه» در حوزه‌های مختلف علمی بررسی شده و برای آن ویژگی‌های مشترکی مشخص می‌شود تا محقق براساس این ویژگی‌ها و با نظرخواهی از چند نفر خبره در موضوع مربوط، تصمیم بگیرد که آیا می‌توان براساس این ویژگی‌ها (برای مثال معنای سایه در حوزه اقتصاد، سیاست و...) مفهوم سایه در حوزه برنامه درسی را تبیین کرد یا نه. یافته‌های حاصل از مفهوم سایه در حوزه‌های مختلف علمی در قالب یک جدول و براساس روش فراترکیب به شرح زیر است:

جدول ۱-۱ خلاصه معنا و مفهوم «سایه» یا «زیرزمین» در حوزه‌های مختلف علمی

ساحت‌های علم بشری	تعریف استعاره سایه در ساحت‌ها	جنبه مثبت مفهوم سایه نسبت به مرجع	جنبه منفی مفهوم سایه نسبت به مرجع	رفرنس
روان‌شناسی	سایه به عنوان جنبه تاریک ذهن فردی که متشکل از خصوصیات منفی، غیرمتمدن و یا حیوانی فرد است. سایه جنبه وحشیانه و خشن طبیعت انسان است.	در صورت شناخت کامل سایه به عنوان سرچشمه بصیرت و خودانگیختگی در.	درب‌گیرنده خصوصیات منفی و تاریک شخص، دارای نقش مخرب و مخالف با ویژگی‌های مثبت فرد.	(شولتز، ۱۳۸۸، فن فرانز ^۱ ، ۱۹۶۴، روضاتیان و همکاران، ۱۳۹۱)
اقتصاد	اقتصاد سایه عنوان نقطه مقابل اقتصاد رسمی است، شامل همه کالاها و خدمات تولیدی قانونی مبتنی بر بازار است که به دلایلی هدفمند از قبیل فرار مالیاتی، خودداری از پرداخت هزینه‌های تامین اجتماعی، پرهیز از رعایت معیارهای قانونی مشخص شده از قبیل حداقل حقوق و دستمزد، به‌کارگیری نیروهای کاری براساس بیش‌ترین ساعات کاری نظارت مقامات رسمی مخفی نگه داشته می‌شوند. به موازات نظام اقتصادی رسمی است...	ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای مهاجران، جوانان.	ارتباط با قاچاق مواد مخدر و فساد، افزایش فعالیت‌های مربوط به اقتصاد سایه منجر به کاهش پایه‌های مالیاتی شده، و در نتیجه آن کاهش خدمات رفاهی عمومی و کاهش رشد اقتصادی.	(شپیلند ^۲ ، ۲۰۰۳)، پایولی ^۳ (۲۰۰۳). شپیلند و پانسیرز ^۴ (۲۰۰۹). (اشنایدر و همکاران، ۲۰۱۰) (اشنایدر و کلینگ مایر، ۲۰۰۴). (انسته ^۵ ، ۲۰۰۳)
بانک‌داری	به معنای واسطه‌گری مالی شامل تمامی فعالیت‌های مالی که تمام یا بخش اعظمی از آن در بیرون از نظام رسمی بانکی انجام می‌گیرد. بانک‌های فعال در گروه بانکداری سایه‌ای، برخلاف بانک‌های سنتی می‌توانند با آزادی عملی بیش‌تری		افزایش ریسک در بازارهای مالی با روش‌هایی از قبیل ایجاد فرصت برای ایجاد اهرم‌های خارج از نظام بانکی تحت نظارت، ایجاد عدم قطعیت و نااطمینانی به‌وسیله ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری جایگزین سپرده بانکی. کمک به	شورای ثبات مالی (۲۰۱۲) شاهچرا (۱۳۹۴)

^۱ von Franz

^۲ Shapeland

^۳ Paoli

^۴ Ponsaers

^۵ Enste

	وقوع بحران‌های مالی.		نسبت به نظام بانکی به ارائه خدمات و استفاده از ابزارهای موجود در بازارهای مالی مبادرت می‌ورزند و کارمزدهای ارائه خدمات متنوع مالی را می‌توانند براساس منافع خود و شرایط بازار رقابتی تغییر دهند.	
	ارتباط واژه سایه یا زیرزمین در این حوزه با جنبش‌های مقاومت و آزادی، که معمولاً بصورت مخفی و بیرون از فرهنگ حاکم، طبق نظر فرانک زاپا، بیش‌تر جنبش‌های زیرزمینی دهه شصست و هفتاد، جنبش‌های خرده فرهنگی بودند که همه به نوعی با جنبش شاعران و هنرمندان مقاومت در فرانسه و در نهایت اندیشه‌های زان پل سارتر و آلبر کامو در سال‌های اولیه بعد از جنگ جهانی دوم در ارتباط بودند.		موسیقی سایه (زیرزمینی) به آن نوع موسیقی اطلاق می‌شود که برخلاف جریان تجاری رایج در صنعت موسیقی حرکت می‌کند. بدین معنا که گروه‌های فعال در این حوزه ترجیح می‌دهند استقلال هنری خویش را حفظ کرده و از نظر ذائقه هنری، دنباله روی شرکت‌های بزرگ موسیقی نشوند. بر خلاف معیارهای فرهنگی سنت‌شکنی می‌کند، و معیارهای جدید می‌آفریند، هنر رایج را بازاری می‌پندارد و برای آن ارزش هنری قائل نیست، در نتیجه با آن در تضاد قرار می‌گیرد و حتی با آن مبارزه می‌کند. موسیقی زیرزمینی سعی دارد با صداقت خود، با عدم وابستگی با اهداف غیر والا مانند اهداف اقتصادی، هرآنچه که انسان و جامعه را مسخ کرده است، نقد کند.	موسیقی
	در تضاد کامل با ارزش‌های صریح جامعه، ترویج خشونت و رفتارهای ستیزه جویانه در جامعه		ارزش‌های سایه در جامعه، نظامی از ارزش‌ها هستند که خشونت، پرخاشگری و ستیزه‌جویی ^۳ را در جامعه ترویج می‌دهند و آن‌ها را مورد ستایش قرار می‌دهند. ارزش‌های زیرزمینی مجموعه ارزش‌هایی هستند که بیش‌تر افراد به آن اعتقاد دارند و بدان پایبند هستند، هرچند به‌طور رسمی شناخته شده نیستند. به‌طور کلی می‌توان رفتارهای غیرقانونی و	جامعه‌شناسی

^۱ Stan Cohen^۳ violence and aggression

<p>جاک پانگ^۱ (۲۰۰۷) سایکس و ماتزا (۱۹۶۱)</p>			<p>بزهکارانه را به مجموعه‌ای از ارزش‌های زیرزمینی نسبت داد که در جوامع رونق گرفته‌اند.</p>	
<p>(مدرسی، ۱۳۹۱) (خسروی و همکاران، ۱۳۹۲) (قشقایی، ۱۳۹۰) (زمان احمدی، حدادی، ۱۳۸۹)</p>	<p>استعاره سایه به معنای تقابل و تضاد با خودآگاه، در برگزیده تمام خصلت‌های شیطانی انسان و نیروی غرایز دنیوی.</p>	<p>با وجود سخت بودن مقابله با سایه، این مبارزه سازنده و تعالی بخش است.</p>	<p>در ادبیات، هر عاملی که مانع رسیدن قهرمان و من خودآگاهی به کهن‌الگوی خویشتن باشد مانند ابلیس، حیوانات وحشی، موجودات ماور طبیعی و هر عاملی که باعث شود شخص دست به اعمالی غیرانسانی بزند تحت تاثیر کهن‌الگوی سایه است. دیو، ازدها، گرگ و سایر حیوانات وحشی، مار، از نمادهای سایه در ادبیات هستند.</p>	<p>ادبیات</p>
<p>ویکی پدیا</p>			<p>دولت سایه در اصطلاح سیاسی به دولت روی کار نیامده اطلاق می‌شود که با هدف در دست گرفتن دولت، به انتظار نشسته است. در نظام‌های پارلمانی، اغلب بزرگترین حزب مخالف، خود را دولت سایه می‌نامد. در بیش‌تر این کشورها برای افرادی که به نوعی عضو این دولت سایه هستند از اصطلاح «متقصد مخالف» استفاده می‌شود، به این معنا که همواره دولت رسمی را نقد کرده و در زمینه‌هایی با آن مخالف است.</p>	<p>سیاست</p>

<p>(مارک یری ۱۹۹۹، ۲۰۰۷، ۲۰۰۳، ۲۰۰۹، ۲۰۱۴) (اسکیو و همکاران^۱، ۲۰۱۰، سانگ و همکاران^۲، ۲۰۱۳)، هاروی ۲۰۰۷، استیگر و روی^۳ (۲۰۱۰) اپل ۲۰۰۶، وارد^۴، ۲۰۱۳، زاجدا^۵ ۲۰۰۶، کازوتاکیس و وردیس^۶ (۲۰۱۳،</p>	<p>انحراف اصلاحات آموزشی طراحی شده از مسیر اصلی در نظام‌های آموزشی، در نظر گرفتن ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های متفاوت با نظام‌های آموزشی اصلی. و اینکه ویژگی‌های نظام سایه کمتر از ویژگی‌های نظام اصلی قابل تمیز و تشخیص است.</p>	<p>در صورت همسو بودن اهداف آموزش و پرورش سایه با اهداف نظام اصلی، به بهبود کیفیت آموزشی کمک می‌کند و به آموزش‌های تکمیلی معروف هستند.</p>	<p>آموزش و پرورش سایه عبارت است از مجموعه‌ای از فعالیت‌های آموزشی که در خارج از مدرسه انجام می‌گیرد (همان تدریس خصوصی). آموزش و پرورش سایه به نوعی نتیجه به هم خوردن تعادل بین بخش دولتی و خصوصی در کل جهان است.</p>	<p>آموزش و پرورش</p>
<p>(بورمان، ۱۳۹۳: ۹۰) (صیدی، ۱۳۹۴)</p>			<p>افلاطون در اثر معروف خود با عنوان «تمثیل غار» به مفهوم سایه اشاره کرده است. براین اساس، جهان محسوس، سایه‌ای از حقایق غیرمادی است که دست خوش تغییر و دگرگونی نیستند. درحالی که اشیای مادی (سایه‌های مثل) در معرض تغییر، فساد و زوال هستند. به عبارت دیگر، جهان خارجی به دو بخش مثل و سایه‌های آن تقسیم می‌شود. به‌طورکلی از نظر افلاطون دو عالم وجود دارد: یکی عالم حقایق، و دیگری عالم سایه‌ها و مجازها که بازنمودهای آن عالم است.</p>	<p>فلسفه</p>

از مهم‌ترین ویژگی‌های استعاره سایه که در همه حوزه‌های علمی منتخب، مشترک هستند و از ترکیب این ویژگی‌ها در حوزه‌های مختلف علمی حاصل می‌شوند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد

^۱ Askew et al

^۲ Song et al

^۳ Harvey

^۴ Steger and Roy

^۵ Apple

^۶ Ward

^۷ Zajda

^۸ Kassotakis and Verdis

که بصورت تم‌های شناسایی شده در جدول زیر آمده است:

جدول ۲-۱: نتایج تحلیل مضمونی متون مربوط به مفهوم سایه در حوزه‌های مختلف علمی

تم اصلی	مفاهیم تشکیل‌دهنده تم‌ها	حوزه‌های مربوط به مفاهیم
مخفی و زیرزمینی بودن آن	-قابل تمیز نبودن نظام سایه -ناشناس بودن نظام سایه	آموزش و پرورش
	-جنبش‌های رهایی بخش -مقاومت و اقدام مخفیانه در برابر فرهنگ حاکم	موسیقی زیرزمینی
تضاد و تقابل با مرجع خود	-تقابل با خودآگاه انسان	ادبیات
	-نقش مخرب نظام اصلی -کاهش رشد اقتصادی -کاهش رفاه عمومی -وقوع بحران‌های مالی	اقتصاد و بانکداری
غیررسمی بودن نظام سایه	-انحراف از نظام اصلی -انحراف از اهداف اصلی	آموزش و پرورش و جامعه‌شناسی
تضاد با قوانین صریح و نوشتاری	-متضاد با ارزشهای صریح جامعه -فعالیت در خارج چارچوب قانون -دور زدن قوانین رسمی -قاچاق کالا -ارتباط با مواد مخدر -ترویج خشونت و رفتارهای ستیزه‌جویانه	اقتصاد، بانکداری، جامعه‌شناسی

بنابراین مهم‌ترین ویژگی‌های سایه در این حوزه‌ها که مشترک هستند به شرح زیر است:
 -ویژگی‌های نظام سایه کمتر از ویژگی‌های نظام اصلی قابل تشخیص و شناسایی است (مخفی و زیرزمینی بودن آن)
 -شکل‌گیری و فعالیت نظام‌های سایه، در محیط‌های غیر رسمی انجام می‌گیرد (غیر رسمی بودن آن)

-تقابل و تضاد با مرجع خود، از دیگر ویژگی‌های سایه در حوزه‌های مختلف است. به عبارتی

سایه معمولاً بر علیه مرجع خویش عمل می‌کند و در برابر آن مقاومت می‌کند (تقابل، تضاد با مرجع خود)

- فعالیت‌های انجام گرفته در بخش سایه، فعالیت‌هایی هستند که سعی در دور زدن قوانین مربوط را دارند و معمولاً توجیه قانونی ندارند (متضاد با قانون رسمی و نوشتاری).

جمع‌بندی مصاحبه‌ها

از آنجا که نظریه‌ای در این موضوع وجود نداشته و نیز هیچ پژوهشی در داخل کشور انجام نگرفته است. لذا برای تبیین چارچوب مفهومی پژوهش، علاوه بر بررسی منابع و آثار مکتوب، با چند نفر از خبرگان رشته‌های مختلف از جمله، جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی سیاسی، علوم سیاسی، فلسفه و انسان‌شناسی مصاحبه انجام گرفت و دیدگاه‌ها و نقطه نظرات آنان را در مورد مفهوم سایه در حوزه‌های مختلف و چگونگی تبیین آن در حوزه برنامه درسی ایران، مورد بررسی قرار دادیم. لازم به توضیح است که براساس تعریفی که از خبره در رشته‌های مختلف در نظر داشتیم (داشتن مدرک دکترای تخصصی، تالیف مقالات، تدوین رساله در موضوع مرتبط، سوابق آموزشی) حدود ۲۰ نفر را به صورت هدفمند انتخاب کردیم. اما از بین این افراد ۱۰ نفر تجارب، اطلاعات و مطالب مفیدی را در این موضوع، ارائه کردند به طوری که اشباع نظری حاصل شد که نتایج تحلیل آن به شرح زیر است:

جدول ۳-۱ صاحب‌نظران شرکت‌کننده در مصاحبه

کد خبرگان مصاحبه شونده	مدرک تحصیلی	رشته تحصیلی
۱	دکترای تخصصی	فلسفه تعلیم و تربیت
۲	دکترای تخصصی	انسان‌شناسی
۳	دکترای تخصصی	جامعه‌شناسی
۴	دکترای تخصصی	علوم سیاسی
۵	دکترای تخصصی	برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی
۶	دکترای تخصصی	جامعه‌شناسی
۷	دکترای تخصصی	جامعه‌شناسی
۸	دکترای تخصصی	فلسفه

جامعه‌شناسی	دکترای تخصصی	۹
برنامه درسی	دکترای تخصصی	۱۰

سؤال کلی و مشترکی که از همه مصاحبه‌شوندگان پرسیده شد در مورد برداشت از مفهوم برنامه درسی سایه و نیز تعریف استعاره سایه در حوزه‌های تخصصی آن‌ها بود که هرکدام از آن‌ها به این سؤال پاسخ دادند، و پس از پیاده‌سازی متن مصاحبه‌ها، به روش تحلیل مضمونی تحلیل گردید. ماحصل آن سه مضمون اصلی است که عبارتند از: «چیستی مفهوم سایه؟»، «چرایی، اینکه چرا از مفهوم سایه برای برنامه درسی استفاده شده است؟» و «چگونگی، اینکه چگونه می‌توان برنامه درسی سایه را استنباط کرد؟». جدول مربوط به کدگذاری و تحلیل مضمون به شرح زیر است:

جدول ۴-۱- مضامین استخراج شده از مصاحبه با صاحب‌نظران

ردیف	مضامین اصلی	مضامین فرعی یا مفاهیم تشکیل‌دهنده مضامین
۱	چیستی	منافع گروه ذینفوذ سازنده یا مخرب دارای قدرت سیاسی صدای مخالف و متفاوت نانوشته بودن و نمود آن در عمل بدون نظم و مقررات تعریف شده
۲	چرایی	ابهامات موجود شکل گرفته اما بدون مرز الزامات و خالها دایره معنایی بدون تعریف و مفهوم سازی
۳	چگونگی	تبعیض و نابرابری مقاومت مداخله حداکثری نهاد حکومت باورهای جمعی دانش‌آموزان سوژه‌های مطیع و متقاد تناقض با برنامه‌درسی رسمی

پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان در مجموع به طرق مختلف چستی مفهوم سایه، چرایی استفاده از این مفهوم در حوزه برنامه درسی و نیز چگونگی استنباط و تبیین مفهوم برنامه درسی سایه را تشریح کرده است که مهمترین شواهد گفتاری حاصل از آن به قرار زیر است:

از دیدگاه برخی از مصاحبه‌شوندگان، برای مفهوم سایه در حوزه برنامه درسی، می‌توان از تعریف ایده‌آل آن در حوزه سیاست بهره گرفت. صاحب‌نظر شماره ۲: «در بریتانیا مفهوم کابینه^۱ سایه عبارت است از حزبی که موفق نشده دولت را دست داشته؛ نوعی دولتی تشکیل می‌دهد که برای هر وزیری یک وزیر سایه تشکیل می‌دهد. این کابینه سایه از حقوق و مزایای کابینه رسمی برخوردار است و از حقوق رسمی معینی هم برخوردار هست، به این معنا که در مذاکرات پارلمان، وزیر سایه به‌عنوان مثال وزیر امور خارجه سایه در برابر وزیر امور خارجه رسمی قرار می‌گیرد و وزیر سایه موظف هست در زمینه‌های مختلفی پرسش بکند و آنرا نقد بکند و به عنوان صدای مخالف و صدای متفاوت، سیاست خارجی را بررسی کند».

این برداشت از کابینه سایه در سایر موقعیت‌ها از جمله در ایران متفاوت است. به اعتقاد مصاحبه‌شونده ۲، بسیاری از مفاهیمی که در علوم انسانی با آن‌ها سرو کار داریم مفاهیمی هستند که در تاریخ، جغرافیا و بسترهای متفاوت عموماً غربی شکل گرفته‌اند. «کابینه سایه در ایران، گروه دی-نفوذی است که با تکیه بر قدرت‌های سیاسی که در اختیار دارد بدون هر گونه اسم و رسم و نظم تعریف شده‌ای در کار دولتی که شکل گرفته مداخله می‌کند و اصولاً در جهت حفظ منافع گروه‌های ذی نفوذ ایفای نقش می‌کند. پس در ایران این مفهوم یک مفهوم کاملاً مخرب است. چون اولاً خودش را به عنوان سایه نمی‌شناسد و نظم و مقررات تعریف شده‌ای هم ندارد و به دنبال منافع گروه ذی نفوذ خودش است».

لذا برای تعریف برنامه‌درسی سایه با تکیه بر مفهوم این استعاره در حوزه سیاست، باید از تعریف ایده‌آل کابینه سایه بهره گرفت. بر این اساس برنامه درسی سایه یعنی، «برنامه‌ای که به‌تواند فرصتی برای خودبیانگری، بروز تفاوت‌ها، خلق فرصت‌های تازه برای گروه‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی درون مدرسه‌ای و دانشگاه فراهم کند این برنامه، برنامه‌ای است که بتواند نوعی گفتگو میان جریان‌های مختلف درون مدارس و دانشگاه‌ها را محقق سازد. این برنامه در معنای ایده‌آل آن یعنی برنامه‌ای که پویایی را در مدرسه و دانشگاه را شکل دهد، برنامه‌ای که به دانش‌آموزان و معلمان،

¹ Shadow Cabinet

دانشجویان و اساتید این امکان را فراهم سازد که بتوانند در کنار برنامه درسی رسمی نوعی بازاندیشی انتقادی و فرصتی برای ابراز کردن صداها و خفته و فرصتی برای مقولات اساسی مانند عدالت آموزشی، انصاف، و توجه به ارزش‌هایی مانند ارزش‌های دموکراتیک و واقعیاتی مانند تبعیض، نابرابری و سرکوب یا هر شکلی از نابه‌مگونی وجود دارند. اما در ایران اینچنین نیست».

اما با توجه به مفهوم دولت سایه در ایران، این تعریف متفاوت خواهد بود. «در نظام آموزشی ایران اعم از؛ مدرسه و دانشگاه، حکومت حق خود می‌داند که براساس فلسفه سیاسی و ایدئولوژیک خود، حاکمیت تمامی سازوکارهای مدرسه و دانشگاه را شکل دهد و در صورت نیاز در هر وجه و ساحتی از مدرسه و دانشگاه مداخله کند مدرسه و دانشگاه لزوماً نه متناسب با واقعیات درونی خود بلکه براساس خواست و اراده قدرت شکل می‌گیرند، مدیریت می‌شوند و تغییر می‌کنند و ناگزیرند در این نهادها همه چیز به نحو آشکاری تابع منطق سیاسی باشد. در این نظام آموزشی برنامه درسی سایه اصولاً معنای خاصی پیدا می‌کند. برنامه سایه برنامه‌ای نیست که از درون ساحت‌ها و گفتمان‌های رقیب در آموزش، شکل گرفته باشد. در نظام‌های آموزشی که استقلال نهادینه بر آن حاکم شده طبیعتاً بازار و گروه‌های اجتماعی و فرهنگی مختلف از فرصت‌هایی برخوردار هستند تا بتوانند متناسب با نیازها و خواست‌ها، آرزوها، ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی خودشان آموزش یا همان یاددهی و یادگیری را تحقق ببخشند. به همین دلیل در نظام آموزشی ما برنامه درسی سایه به معنای ایده‌آل آن شکل نمی‌گیرد».

به اعتقاد این صاحب‌نظر، باید گفت که برنامه درسی سایه در نظام آموزشی ما همان برنامه سیاسی است که به شیوه متفاوت از برنامه رسمی تلاش می‌کند تا سوژه سیاسی منقاد را در مدارس و دانشگاه‌ها خلق کند. منظور از سوژه سیاسی منقاد، عبارت است از دانش‌آموزان و دانشجویان که به جای نقادبودن، در انقیاد گفتمان رسمی درآمده‌اند. به جای بدست آوردن فرصتی برای خودبیانگری، به سوژه‌های مطیع و سربراهی تبدیل شده‌اند که در فضای مدرسه و دانشگاه‌ها تلاش می‌کنند تا به نوعی وفاداری خود را به گفتمان رسمی اعلام کنند. از این‌رو برنامه درسی سایه در ایران عملاً مفهوم ایده‌آل برنامه‌درسی سایه را ندارد. بنابراین بهتر است از مفهوم ایده‌آل برنامه‌درسی سایه صحبت نکنیم چون در ایران وجود خارجی ندارد».

به اعتقاد مصاحبه‌شوندگان ۷ و ۸، از دیدگاه انتقادی، علاوه بر اینکه برنامه‌درسی رسمی، خود به

عنوان ابزاری برای اعمال سیاست‌های گروه حاکم است، علاوه بر این، گروه مسلط، از دیگر فعالیت‌ها، ابزارها، راهکارها در محیط‌های مدرسه و دانشگاه بهره می‌گیرد تا بتواند خواسته‌های خود را بدست آورد که این فعالیت‌ها را می‌توان در قالب مفاهیمی همچون برنامه‌درسی پنهان و سایه تعریف کرد. وی معتقد است: «زمانی که با عینک نظریه‌پردازان انتقادی این مفهوم را بررسی کنیم، برنامه‌درسی سایه به این معناست که سیستم برای رسیدن به اهداف خویش، ترکیبات معینی را لحاظ می‌کند که آن‌ها را در برنامه‌درسی رسمی ابراز نمی‌کند.

مصاحبه شونده ۵ ضمن اینکه با توجه به دیدگاه انتقادی در تعلیم و تربیت، برنامه درسی و آموزش را فعالیتی کاملاً سیاسی تعریف می‌کند، معتقد است، «برخی از فعالیت‌ها و اقداماتی در محیط‌های آموزشی هستند که در زمره برنامه‌درسی رسمی نیست و با ویژگی‌های برنامه‌درسی پنهان هم‌سازگار نیست. این فعالیت‌ها را می‌توان نشئت گرفته از آگاهی‌های ضمنی فراگیران و معلمان دانست: «برخی فعالیت‌ها ناشی از باورهای جمعی دانش‌آموزان است. بچه‌ها باورها و ناخودآگاه جمعی دارند که به هم انتقال می‌دهند. در واقع آن منشاء یک سلسله اعمالی در دانش‌آموزان هست که غیر از برنامه درسی آشکار خودآگاه و رسمی است که درسو حفظ می‌کنند نمره می‌گیرند یعنی جنبه رفتاری دارد و محرک و پاسخی هست.

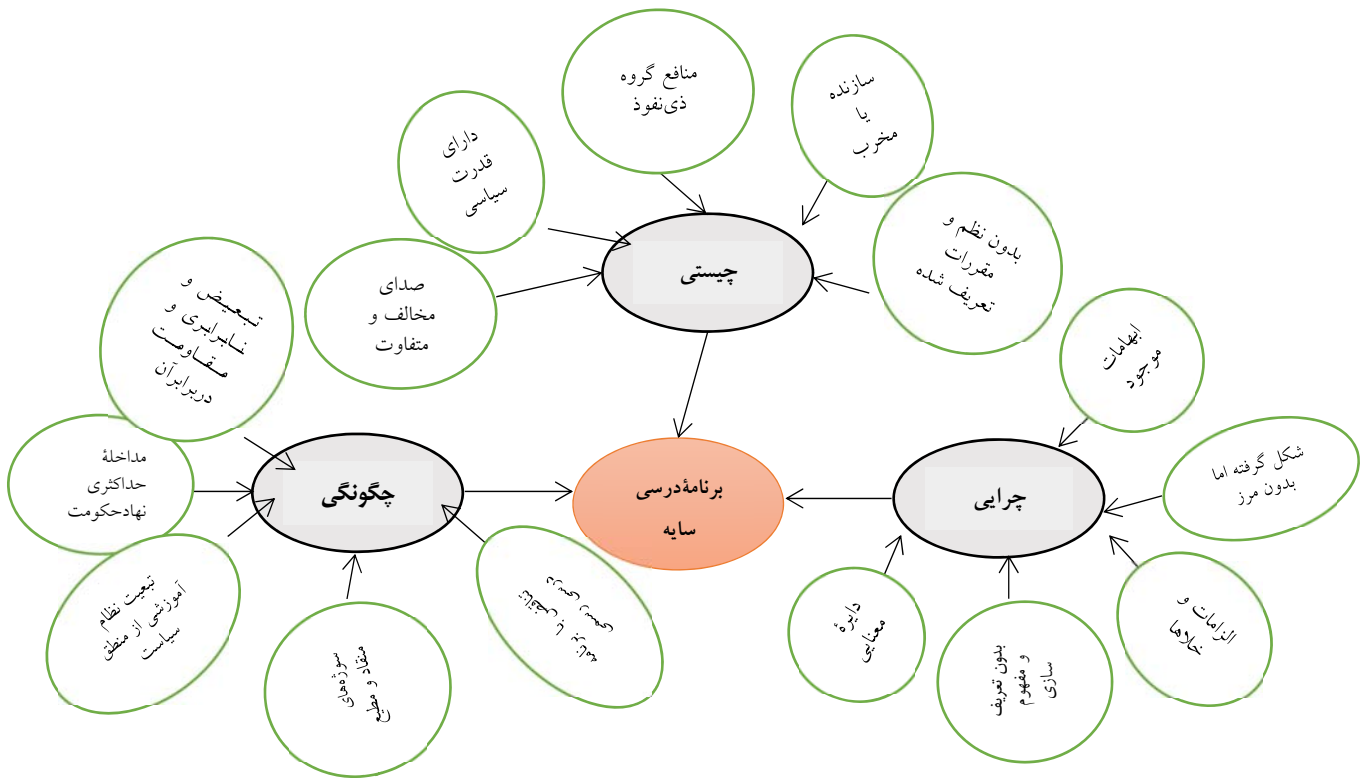
مصاحبه‌شونده شماره ۸: در تمام نظام‌های آموزشی، به موازات برنامه‌های درسی رسمی و قانونی، فعالیت‌ها و رخدادهایی در محیط‌های آموزشی هستند که با عناوین متعددی تعریف شده‌اند. علاوه بر وجود فعالیت‌های پنهانی و طراحی‌های ضمنی، برخی دیگر از اقدامات، فعالیت‌ها و رخداد‌های حوزه تربیتی و آموزشی هستند که در جایی مکتوب نشده‌اند، معمولاً در مقابل برنامه درسی رسمی قرار می‌گیرند.

مصاحبه شونده ۹، به چگونگی تعریف مفهوم برنامه‌درسی سایه می‌پردازد و آنرا با استعاره سایه در علوم سیاسی مقایسه می‌کند. وی در مورد تعریف این مفهوم معتقد است: «برنامه درسی سایه را اگر بخواهیم با استعاره موجود در علوم سیاسی تبیین کنیم، به نظر من در نظام‌های چند حزبی مثل انگلستان دولت سایه، دولت اصلی را پایش می‌کند، اقدامات دولت مستقر را رصد می‌کند و نقش کنترل‌کننده دولت مستقر را دارد.

برآیند دیدگاه‌ها و نقطه نظرات مصاحبه شماره ۳ و ۴ و ۶، نشان می‌دهد که از دیدگاه نظریه انتقادی، نظام آموزشی و در راس آن، برنامه درسی، فعالیتی کاملاً سیاسی است که گروه مسلط از آن بواسطه دستیابی به اهداف سیاسی و فرهنگی بهره می‌گیرد و دانش ارائه شده در خلال برنامه‌های

درسی، دانش گروه‌های مسلط است، علاوه بر آن در کنار برنامه درسی رسمی، انواع دیگری از برنامه‌ها را از جمله برنامه درسی پنهان بر شمرده که دستیابی به این امر را تسهیل می‌کند. طوری که مصاحبه شونده شماره ۶ معتقد است: برنامه پنهان، برنامه سایه، برنامه زیرزمینی و امثالهم معمولاً در شرایطی ظهور می‌کنند که برنامه رسمی، خواسته‌های یک گروه اجتماعی را مورد توجه قرار نمی‌دهد و لذا برنامه‌ای دیگر به موازات برنامه اصلی قانونی و مصوب شکل می‌گیرد که با عنوان‌های مختلف از آن یاد می‌شود. اپل معتقد است این نوع برنامه‌ها می‌تواند ناشی از سرکوب اقلیت‌ها، قومیت‌ها، گروه‌های نژادی، طبقات اجتماعی و غیره باشند. او این نوع برنامه‌ها به عنوان شیوه‌ها و اشکالی از مقاومت آموزشی مورد بررسی قرار می‌دهد. البته این نوع برنامه‌های درسی را می‌توان با نظریه مقاومت (هنری ژيرو و مایکل اپل) تبیین کرد.

مصاحبه شونده شماره ۸: بر اساس نظریه مقاومت، در کنار اجرای برنامه‌درسی رسمی، باورها، فعالیت‌های و اقداماتی از سوی دست‌اندرکاران، ذی‌نفعان (دانش‌آموزان، معلمان و...) شکل می‌گیرند که در نقطه مقابل برنامه درسی رسمی قرار می‌گیرند و با آن مخالفت می‌کنند. همه از آن اطلاع دارند و مورد اقبال عمومی است، اما نظام رسمی آنرا مشروع نمی‌داند. این اقدامات با قوانین نوشتاری برنامه درسی رسمی، متضاد بوده، و اساساً شفاهی است و به صورت عملی خود را نمایان می‌کند. هرچند نوشته شده نیست، اما بر اغلب فعالیت‌ها و برنامه‌های درسی رسمی سایه افکننده است. به طور کلی این باورها، فعالیت‌ها و اقدامات که در قالب مفهوم برنامه‌درسی سایه معرفی می‌شوند، بیش‌تر در عمل نمود پیدا می‌کنند. خود دانش‌آموزان و معلمان نیز بر خلاف مسئولان بر وجود آن اعتراف می‌کنند و معمولاً از آن‌ها دفاع می‌کنند. برخی دیگر از این فعالیت‌ها که از طرف مسئولان و مدیران شکل می‌گیرند و اجازه می‌دهند در مدارس انجام گیرند فعالیت‌هایی هستند که با قوانین و بخشنامه‌های ارسالی در تناقض هستند. یا بهتر بگوییم طوری اجرا می‌شوند که با قانون نوشتاری آن متفاوت‌اند. این نوع فعالیت‌ها هرچند میان دانش‌آموزان و مسئولان فراگیر بوده اما مسئولان از وجود آن اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند. به عبارتی برنامه‌ای که به جوری نوشته می‌شود اما جور دیگری اجرا می‌شود.



شکل (۱). شبکه مضامین برنامه درسی سایه

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر ارائه تعریف برنامه درسی سایه یا زیرزمینی و تبیین چارچوب مفهومی برای آن است. لذا، ابتدا معنا و مفهوم سایه در رشته‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفت، و با استفاده از روش فراترکیب کیفی، ویژگی‌های مشترکی برای معنای سایه در این حوزه‌ها تبیین شد. سپس دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلف و مرتبط با تعلیم و تربیت و برنامه‌درسی در حوزه‌های

جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و فلسفه بررسی شد. همچنین، جهت ارتقای غنای نظری پژوهش و نیز پاسخ‌گویی به سؤال پژوهشی ۳، با چند نفر از خبرگان رشته‌های علمی مختلف اما مرتبط با موضوع از قبیل علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و فلسفه، مصاحبه به عمل آمد. محصل مصاحبه‌ها را در قالب سه مضمون اصلی و فراگیر می‌توان نشان داد که عبارتند از: «چیستی مفهوم سایه؟»، «چرایی، اینکه چرا از مفهوم سایه برای برنامه درسی استفاده شده است؟» و «چگونگی، اینکه چگونه می‌توان برنامه درسی سایه را استنباط کرد؟». برآیند حاصل از مصاحبه‌ها و گفتگوهای به عمل آمده، نشان می‌دهند که ارائه تعریف برای برنامه درسی سایه براساس تعریف ایده‌آل دولت سایه در نظام آموزشی ایران میسر نیست، بلکه برای تبیین آن باید نگاهی انتقادی نسبت به تعلیم و تربیت داشت. علاوه بر در نظر گرفتن دیدگاه انتقادی برگرفته از مکتب فرانکفورت نسبت به تعلیم و تربیت، دیدگاه‌های روانکاری - فلسفی نیز در تبیین این مفهوم در نظر گرفته می‌شود که به نوعی نگاهی انتقادی به مسئله دارد. با توجه به نتیجه فرایند فراترکیب، معنای استعاره سایه در حوزه‌های مختلف علم بشری، می‌توان برای استعاره سایه، ویژگی‌های مشترکی را تبیین نمود. از جمله اینکه سایه در اثر این حوزه‌ها، با نقض قوانین و مقررات، سعی دارد با مرجع اصلی خود مقابله کرده و با آن مخالفت می‌کند. همچنین، ویژگی‌های نظام سایه کمتر از ویژگی‌های نظام اصلی قابل تشخیص و شناسایی است.

از طرفی بررسی دیدگاه‌های جامعه‌شناسی و سیاسی و به‌خصوص نظریه انتقادی در حوزه تعلیم و تربیت حاکی از آن است که، مدارس و دانشگاه‌ها به عنوان ابزاری برای ایجاد و تداوم سلطه طبقات حاکم به‌شمار می‌روند و برای مدارس و دانشگاه‌ها نقشی در جهت تسهیل این سلطه و غلبه تعریف می‌شود. به عبارتی گروهی از این نظریه‌پردازان، نقش مدارس و نظام‌های آموزشی را بازتولید اجتماعی تعریف کرده‌اند، تا بدین ترتیب سلطه و حاکمیت گروه‌های مسلط را در بین افراد جامعه تسهیل کنند. همچنین گروه دیگری با وجود تأیید این گروه از کارکردهای مدارس و برنامه‌های درسی، نظریه مقاومت را مطرح کردند. یعنی دانش‌آموزان و معلمان در برابر این اعمال سلطه طبقات حاکم مقاومت کرده و با آن مخالفت می‌کنند. بنابراین برنامه‌های درسی می‌توانند شکل بگیرند که ناشی از سرکوب اقلیت‌ها، قومیت‌ها، گروه‌های نژادی، طبقات اجتماعی و غیره هستند و این برنامه‌ها در واقع شیوه و اشکالی از مقاومت آموزشی را مورد بررسی قرار می‌دهند. بر این اساس، علاوه بر برنامه درسی رسمی، برنامه‌هایی به موازات آن، شکل می‌گیرد که با عناوین مختلفی از آن‌ها یاد می‌شود. برنامه درسی پنهان که براساس برداشت‌های سنتی و انتقادی، تعاریف متعددی از آن ارائه می‌شود از جمله این برنامه‌هاست. برنامه درسی پنهان براساس برداشتی سنتی که نه سیاست‌گذاران

و برنامه‌ریزان و نه مجریان و فراگیران از وجود آن آگاهی ندارند. اما براساس برداشتی انتقادی، این برنامه‌ها از طرف سیاست‌گذاران برنامه درسی و در جهت حفظ منافع گروه مسلط اعمال می‌شود، اما فراگیران و ذینفعان از وجود آن بی‌خبرند. علاوه بر آن، برخی رفتارها، فعالیت‌ها، اقداماتی از جانب دانش‌آموزان، معلمان و مجریان برنامه‌های درسی در محیط‌های آموزشی وجود دارند که از منظر نظریه‌های انتقادی پوشیده نیستند، هرچند با تعاریف و برداشت‌های برنامه‌درسی پنهان سازگاری ندارند. به عبارتی این گروه از فعالیت‌ها را می‌توان هم خانواده با برنامه‌درسی پنهان در نظر گرفت با تعریفی متفاوت. در اعمال و رفتار دانش‌آموزان، در مزه پراکنی‌ها در شوخی‌ها و در ارتباطات‌شان، مواردی وجود دارد که جنبه کلامی ندارد، و بیش‌تر جنبه ضمنی دارد، یعنی اظهار نمی‌شود، بلکه عمل می‌شود یعنی بیش‌تر تاثیر عملی دارد. سایه‌ای، شبیحی یا بخشی از آگاهی‌های ضمنی و جمعی دانش‌آموزان و معلمان که اظهار نمی‌شوند، بلکه به در اعمال و رفتارهای آن‌ها تاثیر دارد و نتیجه برنامه درسی رسمی را منحرف می‌کند. در واقع فعالیت‌ها، اقدامات و رفتارهای دانش‌آموزان، معلمان و مجریان و دیگر ذینفعان برنامه درسی به نحوی است که کاملاً متضاد با برنامه درسی رسمی است و تمامی بیانیه‌های مطرح شده در برنامه درسی صریح و قانونی را نفی می‌کند، و این مخالفت و نفی قانون آشکار یا برنامه درسی، در عمل رخ می‌دهد و هیچ اظهارنظری در مورد آن نمی‌شود. هرچند که آن‌ها وانمود می‌کنند از آن بی‌خبرند و یا کلاً وجود آن را انکار می‌کنند. سیاست‌گذاران برنامه درسی نیز هرچند که ظاهراً آنرا انکار می‌کنند، اما در واقع از وقوع این قبیل رفتارها و فعالیت‌ها در محیط‌های یادگیری استقبال می‌کنند. زیرا که این شرایط اجازه ظهور سطح رادیکال و رشد آنرا نمی‌دهد، و براین اساس منافع گروه مسلط تا حدودی تامین می‌شود.

منابع

الف. فارسی

- آلتوسر، لویی. (۱۳۸۶) *ایدئولوژی و ساز و برگ‌های ایدئولوژیک دولت*. ترجمه روزبه صدرآرا، تهران، نشر سرچشمه.
- امیرمظاهری، امیر مسعود، عزیزی، احسان. (۱۳۹۲) *خاستگاه و چیستی موسیقی زیرزمینی از منظر جامعه‌شناسی*. مجله کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۷۲.
- بورمان، کارل. (۱۹۲۸). *افلاطون*. ترجمه محمد حسن لطفی (۱۳۹۳). تهران: انتشارات طرح نو.
- خسروی، اشرف، براتی، محمود، روضاتیان، سیده مریم. (۱۳۹۲) *بررسی کهن الگوی سایه در شاهنامه*. فصلنامه کاوش نامه، سال چهارم.
- فتحی و اجارگاه، کورش. (۱۳۸۶). *برنامه درسی به سوی هویت‌های جدید*، شرحی بر نظریات معاصر برنامه‌درسی، جلد اول، چاپ اول، انتشارات آبیژ.
- فتحی و اجارگاه، کورش. (۱۳۹۳). *اصول و مفاهیم برنامه‌ریزی درسی*، تهران: انتشارات بال.
- فتحی و اجارگاه، کورش. (۱۳۹۴). *نشست علمی تخصصی برنامه درسی*، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- فتحی و اجارگاه، کورش. (۱۳۹۶). *سخنرانی کلیدی، تنش قومیت - ملیت در ایران: جایگاه تربیت شهروندی در حفظ یکپارچگی ملی*.
- پانزدهمین همایش سالانه انجمن مطالعات برنامه درسی ایران، با موضوع تربیت شهروندی، چیستی، چرایی و چگونگی. زنجان، ایران.
- فتحی و اجارگاه، کورش. (۱۳۹۶). *برنامه درسی چیست*. چاپ دوم. تهران: انتشارات مهربان.
- فرتر، لوک. (۱۳۹۲) *لویی آلتوسر*. ترجمه امیر احمدی آریان. تهران، نشر مرکز، چاپ دوم.
- قشقای، سعید. (۱۳۹۰). *بررسی کهن الگوی سایه و انطباق آن با نفس در مثنوی‌های عطار*. فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی. سال ۷، شماره ۲.
- شاهچرا، مهشید. (۱۳۹۴). *بانکداری سایه‌ای: تهدیدها و فرصت‌ها*. فصلنامه تازه‌های اقتصاد. شماره

۱۴۴.

شون، هومر. (۲۰۰۵) *ژاک اکان*. ترجمه محمدعلی جعفری و سید محمد ابراهیم طاهایی ۱۳۸۸. تهران: انتشارات ققنوس.

صیدی، محمود. (۱۳۹۴). بازخوانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی دیدگاه مثل. *مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام*، شماره ۹۵، ص ۱۳۴-۱۰۳.

ریتزر، جورج. (۱۳۸۴). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. انتشارات علمی. روضاتیان، سیده مریم، میرباقری فرد، سید علی اصغر، مانی، مهنوش. (۱۳۹۱). نقد و تحلیل کهن‌الگوی سایه با توجه به مفهوم نفس در عرفان. *نشریه ادب و زبان*. دانشگاه شهید باهنر کرمان. سال ۱۵، شماره ۳۲.

زمان احمدی، محمدرضا، حدادی، الهام. (۱۳۸۹). تحلیل کهن‌الگویی داستان پادشاه و کنیزک. *فصلنامه زبان و ادب پارسی*، شماره ۴۵.

ژیژک، اسلاوی. (۱۳۹۰) *لاکان به روایت زیژک*. ترجمه فتاح محمدی، زنجان، انتشارات نشر هزاره سوم.

کوثری، مسعود. (۱۳۸۸). *موسیقی زیرزمینی در ایران*. *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، سال اول، شماره اول.

مدرسی، فاطمه، ریحانی نیا پیمان. (۱۳۹۱). بررسی کهن‌الگوی سایه در اشعار مهدی اخوان ثالث. *ادبیات پارسی معاصر*. دوره دوم شماره ۱ (پیاپی ۳).

ب. انگلیسی

Apple, M. W. (2006). *Educating the 'Right' Way: Markets, Standards, God, and Inequality*, 2nd ed. (New York, NY: Routledge). Apple, M.W. (۲۰۱۲). *Education and Power*, New York: Routledge.

Askew, M., Hodgen, J., Hossain, S. and Bretscher, N. (2010). *Values and Variables: Mathematics Education in High-performing Countries* (London: Nuffield Foundation).

Braun, V. & Clarke, V. (2006), "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, Vol. 3, No. 2, Pp. 77-101.

Bray, M. (1999). *The private costs of public schooling: household and community financing of primary education in Cambodia*. Paris: IIEP-UNESCO. Bray, M. (2003). *Adverse effects of private supplementary tutoring: dimensions, implications, and government responses*. Series: Ethics and Corruption in Education. Paris: IIEP-UNESCO.

Bray, M. Chan, C (2014). *Marketized Private tutoring as a supplement to regular schooling : Liberal Studies and the shadow sector in Hong Kong secondary education*. *Journal*

- of curriculum studies, 46(3) : 361-388.
- Cohen, S. (2002). States of denial: Knowing about Atrocities and Suffering Cambridge Polity.
- Damla Kentli, F. (2009). Comparison of hidden curriculum theories, European. Journal Studies, 1, 83-86.
- Dixon-Woods, M., Shaw, R. L., Agarwal, S., & Smith, J. A. (2004). The problem of appraising qualitative research. *Quality & Safety in Health Care*, 13, 223-225.
- Eisner, E. (2002). *The Educational Imagination: On the Design and Evaluation of School Programs*, 3rd edn, Upper Saddle River, NJ: Merrill Prentice Hall.
- Enste, D. H. (2003). "Shadow Economy and Institutional Change in Transition Countries. The Informal Economy in the EU Accession Countries: Size, Scope, Trends and Challenges to the Process of EU Enlargement". Centre for the Study of Democracy, Sofia, 81-113.
- Flinders, David J & Noddings, Nel & Thornton, Stephen J. (2012). *The Null Curriculum : Its Theoretical Basis and Practical Implications*. Published by Blackwell Publishing on Behalf of the Ontario Institute for Studies in Education / University of Toronto.
- FSB (Financial Stability Board), (2012), "Strengthening Oversight and Regulation of Shadow Banking," Consultative Document.
- Kassotakis, M. and Verdis, A. (2013). *Shadow education in Greece: characteristics, consequences, and eradication efforts*. In M. Bray, A. E. Mazawi and R. G. Sultana (eds), *Private Tutoring Across the Mediterranean* (Rotterdam: Sense), 93-113.
- Major, C., & Savin-Baden, M. (2010). *An introduction to qualitative research synthesis: Managing the information explosion in social science research*. New York, NY: Routledge.
- Meena, Wilberforce E. (2009). *Curriculum Innovation in Teacher Education: Exploring Conceptions among Tanzanian Teacher Educator*. Abo Akademi University Press.
- Sandelowski, M. (2007). Words that should be seen but not written. *Research in Nursing & Health*, 30, 129 – 130.
- Sandelowski, M., & Barroso, J. (2007). *Handbook for synthesizing qualitative research*. New York : Springer .
- Schreiber, R., Crooks, D., & Stern, P. (1997). *Qualitative meta-analysis*. In J. Morse (Ed.), *Completing a qualitative project: Details and dialogue*. Thousand Oaks, CA : Sage .
- Shapland, J. and Ponsaers, P. (eds.) (2009). *The Informal Economy and Connections with Organized Crime*. The Hague, the Netherlands: Bju Legal Publishers.
- Song, K. O., Park, H. J. and Sang, K. A. (2013) A cross-national analysis of the student and school-level factors affecting the demand for private tutoring. *Asia Pacific Education Review*, 14 (2), 125-139.
- Stenhouse, L. (1975) *An Introduction to Curriculum Research and Development*., London: Heinemann.
- Sykes, M., & Matza, D. (1957). *Techniques of neutralization*. *American Sociological Review*, 22, 664-670.
- Young, J. (2004). *Voodoo criminology and the numbers game*. In J. Ferrell, K. Hayward, & M. Presdee (Eds.), *Cultural criminology unleashed*. London: Glasshouse.
- Von. Franz, M.-L. 1964. "The Process of Individuation." In *Man and His Symbols*, edited by Carl G. Jung. London: Aldus Books, Ltd.
- Walsh, D., & Downe, S. (2005). *Meta-synthesis method for qualitative research: A*

literature review . *Journal of Advanced Nursing* , 50 (2), 204 – 211 .

Ward, S. (2013) *Education policy and the marketisation of education*. In S. Ward (ed), *A Student's Guide to Education Studies*, 3rd ed. (New York, NY: Routledge), 3–11.

Wiles, J. and Bondi, J. (2007). *Curriculum Development: A Guide to Practice*, 7th edn,

Upper Saddle River, NJ: Pearson Education.

Zizek ,S (1994). *The Metastases of Enjoyment Six Essays on Woman and Causality*. London :Verso Publication.

Explaining the Concept of Shadow Curriculum in Educational System of Iran

Morteza Bazdar Ghamchi Ghayeh¹

Korush Fathi Vajargah²

Mahboubeh Arefi³

Maghsoud Farasatkah⁴

Abstract

The purpose of present study is to explain the concept of shadow curriculum in educational system of Iran. This study used qualitative method, the meaning of shadow in various fields of The science such as economics, politics, music, etc. have been investigated. its common characteristics were explained by Using meta-synthesis. In the next phase of the research, the views and theories of sociology, political and philosophical sciences related to the field of education are studied and to increase the conceptual richness of the research, and a better explanation of the conceptual framework for the shadow curriculum, with 8 experts in this field Interviews were conducted. Of these, three main themes are namely, why, how and what the concept of shadow or underground curriculum. The interview format was analyzed by thematic analysis method. according to results of the study, the main attribute of the shadow is Conflict with its reference. Accordingly, the the shadow curriculum can be defined as a set of activities that are performed by students, teachers, and administrators, and ... in schools that are in contravention of the formal curriculum. In other words, shadow curriculum, is learning that is practiced, although not officially recognized as legitimate by the Official curriculum, but students and teachers defend it.

Keywords: shadow curriculum, critical view, meta-synthesis

¹ Phd student of curriculum studies, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

² Professor, Education Department, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

³ Associate Professor, Education Department, Shahid Beheshti, Tehran, Iran.

⁴ Associate Professor, Education Department, Institute of Research and Planning in Higher Education.